



دبیر پژوهش روزنامه سراج

حجت الاسلام استاد مجتبی خندان

موضوع:

راهکارهای ترویج و ترغیب امر به معروف و نهی از منکر در بنیاد آموزش و پرورش
قسمت ششم
ج) شیوه انذار:

«انذار» به معنای هشدار دادن و متوجه ساختن فرد از نتیجه کارهایی است که در آینده رخ می‌نماید و مایه عذاب او خواهد بود (موسوی کشمیری، ۱۳۸۶، ۱۱۴).

امام صادق (ع) می‌فرمایند: «کسی که بداند خدا او را می‌بیند و گفتار او را می‌شنود و به آنچه از کارهای خوب و بد انجام می‌دهد آگاه است و این دانایی، او را از کارهای بد بازدارد، چنین شخصی از مقام پروردگار خود خائف و نفس خویش را از پیروی هوای نفس باز داشته است» (کلینی، ۱۳۴۴، ۱، ۷۰).

بر این اساس مربی باید به آگاه کردن دانش‌آموز از عواقب اعمال نامطلوبیش اقدام نماید و او را از آن برحذر دارد. امام خمینی(ره) به‌پره‌گیری از این روش می‌فرمایند: «عواقب امور را بسنجید؛ عقبه‌های خطرناکی که دارید، به یاد آورید، از فشار قهر، عالم برزخ، مشکلات و ششادیدی که به دنبال آن است، غفلت نکند!» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶).

ج) شیوه نگاهوشی:

اجرای این شیوه پس از بی‌نتیجه بودن روش‌های مستقیم فوق، امکان‌پذیر می‌شود؛ به‌گونه‌ای که مربی در نقش ناھی‌با در نظر گرفته‌شود و شرایط اسلامی و دوری از هرگونه کینه‌توزی، ناسزاگویی و حفظ کرامت و عزّت انسانی، می‌تواند به نگاهوش اعمال و رفتار دانش‌آموز بپردازد و تلنگری در اعماق وجود او که غرق در بی‌توجهی به معارف الهی شده، وارد سازد (خسروی زادنیه، ۱۳۸۶).

۲) راهکار غیر کلامی

راهکار غیر کلامی، روشی غیرمستقیم است و بدین معناست مربی باید خود به آنچه که معتقد است و مترقبان را به‌آن هدایت می‌کند، عامل باشد. علاوه بر این امام صادق (ع) در باب اهمیت شیوه غیرکلامی می‌فرمایند: «کونوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَیْرِ السَّیِّئَاتِمِ» (حرعاملی۱۴۱۴، ۱۱، ۱۹۴؛ قسّی، ۱۳۴۲، ۲، ۲۷۸)؛ مردم را به جز بایدهائشان دعوت (به دین)کنید.

بنابراین در این روش، شخص مربی هم از منکر دوری کرده و پایبند مواردی است که افراد را بدان توصیه می‌کند و هم پیام خویش را نه با صراحت، بلکه به صورتی آن را به فرد یا گروه مورد تربیت منتقل می‌کند که دانش‌آموز با گروه مورد نظر، خطاب را متوجه خود احساس می‌کنند؛ به عبارت دیگر، این‌گونه یادگیری و تربیت به صورت پنهان صورت می‌گیرد و در شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموز بسیار مؤثر بوده و دامنه گسترده‌ای دارد (احسانی، ۱۳۸۸، ۳۰).

در ادامه به چند مورد از راهکارهای غیر کلامی اشاره خواهیم‌شد.

الف) راهکار الگویی:

الگو به‌معنای نمونه و مصداق عینی آرمان‌ها و آرزوهای انسان است.

شیوه الگویی، یکی از روش‌های تربیتی است که مورد تأیید پیروپایان دینی و مکاتب الهی قرار گرفته و مسائل تربیتی را از حالت تحمیل و القایی بیرون می‌آورد و خود دانش‌اموز، حرکت به‌سوی آمر و ناھی را برمی‌گزیند.
داست الگو به انسان کمک می‌کند تا از تردید و نگرانی‌ها رهایی یافت و به آسودگی خاطر در این‌باره برسد که همان‌طور که افراد مورد قبول او به هدف رسیدناده، برای او نیز چنین امری ممکن خواهدبود(مصباح‌پزدی، ۱۳۸۷-۴۶-۴۸).

قرآن کریم در مورد کسانی که می‌خواهند در جهت کمالات انسانی قدم بردارند، می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ خَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب، ۲۱) رسول خدا برای شما اسوۀ نیکویی است و برای کسی که امید به خدا و روز واپسین بسته و بسیار در یاد خداست. الگو شدن در اخلاق و عمل و نقش اساسی آن در تربیت، دایرة وسیعی دارد و شامل کانون خانواده تا معلمان و مربیان آموزشی و پرورشی و مراکز تعلیم و تربیت و مسئولان عالی نظام می‌شود. امام خمینی (ره) از سه گروه: پیامبران و اولیای معصوم (ع)، علمای ربانی و شهیدان، الگوبرداری کرده و در زندگی خویش به‌کار می‌بستند (الهامی نیا، ۱۳۸۶، ۴۸-۴۷).

ب) راهکار عملی:

خاوند در قرآن کریم در آیه ۲ سوره مبارکه صف می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (ای کسانی که ایمان آورداید، چرا چیزی به زان می‌گویید که در مقام عمل خلاف آن می‌کنید؟) همچنین در آیه ۴۴ سوره بقره می‌فرماید: (ای مردم را به نیکی دعوت می‌کنید و خود را فراوش می‌کنید؟) این آیات به‌درستی بیان می‌کند که امر به‌معروف بدون عمل کردن به آن ناپسند است و بدین ترتیب خداوند عنوان می‌فرماید که زمانی‌که مردم را به نیکی امر می‌کنید خود نیز از آن غافل نشده و به آن عمل نمایند.

«بدون قرار قبلی» بهترین فیلم جشنواره مسکو شد

فیلم سینمایی «بدون قرار قبلی» موفق به دریافت جایزه بهترین فیلم و بهترین بازیگر زن از جشنواره فیلم مسکو شد.جایزه بزرگ بهترین فیلم چهل و چهارمین دوره جشنواره فیلم مسکو به «پهروز شعبی» کارگردان فیلم «بدون قرار قبلی» رسید. همچنین جایزه بهترین بازیگر زن جشنواره مسکو به «یگانه آهنگرانی» بازیگر این فیلم سینمایی رسید.

شعبی زس از دریافت این جایزه در سخنانی بیان داشت: «روزی که فیلمبرداری فیلم‌مان را شروع کردیم، فکر می‌کردیم فیلمی بسازیم برای اینکه به هم یادآوری کنیم که دوست داشتن تنها راه نجات ماست؛ این مهم‌ترین کار ما در سینما می‌تواند باشد.»

حاتمی کیا: ژانر دفاع مقدس، جای آزمون و خطا نیست

در وهله اول برایم تصویر است و کوبریک استاد بلا منازع آن بود. هربار که فیلم‌هایش را می‌بینم مدهوش قاپ‌هایش می‌شوم. اما علاقم به کوبریک دلیل دیگری داشت و آن حرکت عجیبش در ژانرهای مختلف بود و در تماشان هم با سربلندی بیرون می‌آمد. او را نمی‌توان به یک ژانر خاص محدود کرد. هر زمان که حرفی برای گفتن داشت به میدان می‌آمد و آن را در ژانری متفاوت با ابزار سینما به ظرافت تمام بیان میکرد. پس به عنوان یک طرفدار دو آتشه کوبریک، مشتاقم در مسیر او حرکت کنم. من هم به مانند او عاشق تجربه کردن ژانرهای مختلف و محک زدن خودم هستم. پس هر بار من را می‌توانند با فیلمساز دیگری مقایسه کنند. تنها ژانری که با احتیاط به آن ورود خواهم کرد، جنگی یا به زبان عامیانه دفاع مقدس است. آنجا برایم به مانند واژه‌اش مقدس است. اعتقاد دارم که باید با خلوص واردش شد. آنجا محل آزمون و خطا نیست.

شب طلایی می‌گوید خانواده در خطر است

«تفسیرهای سیاسی هم از فیلم شما شده است که عموماً درباره فیلم‌های ایرانی زیادی دیده می‌شود. آیا این خانواده نماد سیاسی از ایران امروز است؟ فیلمنامه اولی که می‌خواستم کار کنم یک فیلم سیاسی به نام «تریبون» بود که به دلایلی فرصت ساختش فراهم نشد. به همین دلیل احتیاطی ندارم برای اینکه بگویم فیلم «شب طلایی» جنبه‌های سیاسی دارد اما این فیلم نگاه و دغدغه‌اش چیز دیگری است. از نظر خودم حرف مهمی دارد که در حال فراموش شدن است و احساس کردم باید آن را گوشزد کنم.

حواسمان نیست و فراموش کرده‌ایم که خانواده در خطر است. خانواده مرکز همه چیز است. جملات شکل بزرگ خانواده است؛ همان نقاط مثبت و منفی‌اش در جامعه نمایان می‌شود. دنبال این بودم که همه طبقات نسبت به آن همدات پنداری کنند. برای همین طبقه متوسط را انتخاب کردم و سعی کردم رنگ آمیزی در کاراکترهای فیلم وجود داشته باشد تا گستره آدهایی که به شخصیت‌های این خانواده می‌توانند همدات پنداری داشته باشند را بیشتر کنم.

خانواده فیلم اول پشت دوربین شکل گرفت

«فیلم شما در بازی‌ها خیلی جذاب و زیبا است. در یک لوکیشن هم ساخته شده است. شاید هر کارگردان جوان دیگری بود سراغ بازیگران مطرح و مشهور و سلبریتی‌هایی که برایش پول فراهم کنند، می‌رفت. اما جالب بود که شما سراغ بازیگرانی رفتید که آن‌ها را دوست داشتید و موضوع شهرت خاص و سلبریتی بودن آن‌ها برای شما اهمیت نداشته است. شما سراغ بازیگرانی رفتید که امروز کمتر دیده می‌شوند. چیزی که به‌نظر می‌رسد باید دوباره احیا شود. در قدم اول دنبال یک ترکیب خانواده جدید در سینما بودیم که در فیلم‌های دیگر دیده نشده باشد و تصویر اشتراک تکراری در ذهنیت مخاطب نداشته باشیم. در قدم بعدی دغدغه- این بود که حتماً نیمی از بازیگران فیلم که ۲۲ نفر می‌شدند از بازیگران تئاتری باشند و الباقی بازیگران چهره سینما هم حتماً عقبه تئاتری داشته باشند. دلایل واضح بود، کل فیلم در یک خانه می‌گذرد و بازیگرانی که

تجربه کار در تئاتر را داشته باشند بدنشان عادت به تمرین‌های متعدد دارد و این نیاز اصلی ما در فیلم بود. این خانواده اول پشت دوربین شکل گرفت و بعد جلوی دوربین آمد. کار دیگری که باید انجام می‌دادم و این را از روز سوم فیلمبرداری فهمیدم، دور ریختن دکوپاژهایی بود که در زمان پیش تولید روی کاغذ آورده بودم. منوجه شدم با این کار روح را از این خانواده می‌گیرم. تنها راهش تمرین هر سکانس قبل از فیلمبرداری بود. این کار باعث می‌شد دیگر میزانشن و رابطه بازیگران رباتیک و براساس یک دستورالعمل از پیش تعیین شده نباشد. آزاد در صحنه حرکت کنند و همانجا و در کنار هم روتوشش می‌کردیم. بعد دوربین وارد می‌شد و اصلاحات جزئی صورت می‌گرفت. همین باعث شده بود روابط بین آن‌ها زنده و پویا شود. البته به برای یک کارگردان فیلم اولی کاری پس دشوار و جانکاه بود. تماشش ریسک بود. تک لوکشین. تعداد زیادی بازیگر و دکوپاز سر صحنه. می- توانست شکست بخورد و خدا را شاكرم که با همراهی بازیگران و همکارانم (شما بخوانید خانواده‌ام) این اتفاق به بهترین شکل رخ داد و این خانواده شکل گرفت.

در مورد بازیگرانم، تک تکشان بی‌نظیر بود. از خانم سعادت که یک مادر بزرگ دیگر به سینمای ایران تقدیم کرد تا خانم ناصر، آقای معجونی، آقای کرامتی، خانم جعفری، خانم خلیق و ...

هفته آخر از جان و دل مایه گذاشتند و متفخرم که در کنارشان بودم.

«آیا احساس نمی‌کنید این چیدمان بازیگر در کنار سبک و موضوع فیلم در فروش آن اثر منفی بگذارد؟

این هم از لطف و همدلی مجریان طرح و سرمایه‌گذار بود که می‌دانستند می‌تواند این فیلم فروش زیادی نداشته باشد اما حاضر به سرمایه‌گذاری شدند. موضوع و دغدغه‌ای داشتم که باید آن را می‌گفتم.

این را سعی کردم با محدودترین بودجه بیان کنیم که اگر فروش خوبی نداشت ضرر زیادی نکرده باشیم.

امیدوارم سال‌های بعد به حرف فیلم من ترسند!

«یعنی انقدر به موضوع و محتوای فیلم دلپسته بودید که حاضر شدید در هر حالت فیلم را با این شکل بسازید؟ چرا انقدر اصرار به بیان این پیام داشتید؟ امیدوارم سال‌ها بعد به آن نرسیم و چند سال بعد نگویند فلان شخص این حرف را در فیلمش زد و آخر سر هم اتفاق افتاد. من احساس کردم که باید این حرف را زد. اینکه حواسمان باشد ستونی به نام مادر را از دست ندهیم. مادر زنجیر اتصال عاطفی اعضای خانواده بهم هست و آنها را دور خودش جمع می‌کند. یک روز اگر حوا سمان نباشد مادر فراموش

می‌شود. اگر مادر یا مادر بزرگ‌ها نباشند کمتر این خانواده‌ها دور هم جمع می‌شوند. سنت چه کار می‌کند؟ فرهنگ مهر و محبت را از خانواده‌ای به خانواده دیگر منتقل می‌کند. خودکار این ستون می‌ماند و خانواده دورش شکل می‌گیرد. حال این ستون دارد از بین می‌رود. این اتفاق خوبی نیست و امکان دارد تبعات بزرگی داشته باشد.

آدم‌ها در خانواده دور هم جمع می‌شوند و حرف‌های مشترک می‌زنند اگر این شیرازه یا ستون نباشد دیگر کمتر ارتباط مشترک وجود خواهد داشت و این فاصله داشتن در جامعه بیشتر می‌شود. جامعه دوتکه می‌شود.

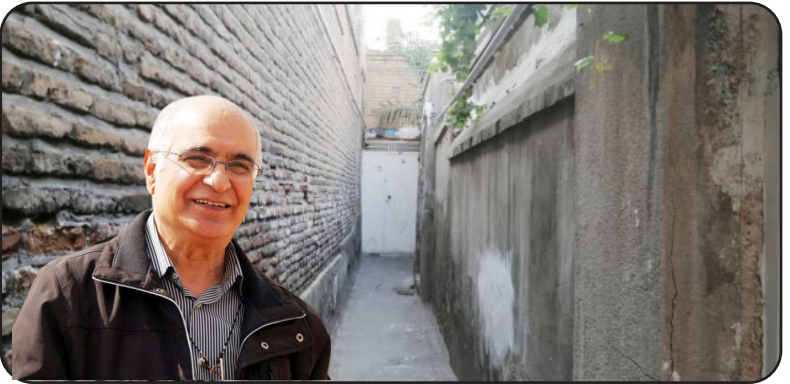
طلای اصلی فیلم مادر بزرگ است

«یک موضوع دیگری که به‌نظرم درباره فیلم شما اهمیت دارد، همین محوریت محتوا و داستان در فیلم است. یعنی هرچقدر فرم در سال‌های اخیر در سینما تلاش شده تا ملاک و محوریت قرار بگیرد و همین ما را از محتوا و داستان دور کرده است، شما خیلی به محتوا علاقه دارید و آن را اصل می‌دانید. این یک دعوی قدیمی است که کدام بر دیگری مقدم است. از نظر من قطعاً محتوا است که اهمیت دارد. بر مبنای محتوا، فرم شکل می‌گیرد. باید دید که محتوا چیست و بر اساس آن یک لباس به تنش می‌کنید. برای فیلم «شب طلایی» هم همین اتفاق افتاد. محتوای فیلم این بود که شمش طلایی در خانه مادر بزرگ گم شده است، همه اعضای خانواده دنبالش می‌گردند اما پادشاه رفته است که طلای اصلی مادر بزرگ است. در همین جمله شما وضعیت معمایی را می‌فهمید. عده‌ای دنبال چیزی هستند اما گوهر اصلی را فراموش کردند. بنابراین ژانر من شد معمایی و اجتماعی.

از سوی دیگر داستان سینما را سرگرمی می‌دانم و در همین فیلم هم دنبال این بودم که ریتم و تمپو فیلم کند نشود. این سرگرمی به داستان و قصه نیاز دارد و تلاش کردم یک قصه سرراست را جذاب تعریف کنم.



آیا در زایشگاه «قصه‌های مجید» به روی مردم باز می‌شود؟



برسیم و این خانه را تملک کنیم. قرار شد یکی دو پلاک مجاور این خانه نیز به تملک شهرداری در آید تا یک مجموعه فرهنگی در حوزه حوزه ادبیات و داستان کودک ایجاد کنیم. کار تملک تمام شد و در حال تدوین برنامه‌های مفهومی آنجا بودیم اما از منطقه ۱۲ جدا شدم و به‌ظاهر این موضوع همراه تعداد دیگری از برنامه‌های اولویت‌دار و برنامه‌ریزی شده منطقه، معطل مانده و بدون پیگیری است.

البته تنها خانه مرادی کرمانی نیست که بالاتکلیف نباشد است، بلکه هنوز وضعیت خیان‌هایی که به نام چهار نویسنده کودک هم یک پایگاه فرهنگی و آموزشی در حوزه داستان‌نویسی و ادبیات کودک و نوجوان باشد. این خانه با وجود آن که مرادی کرمانی با نوشتن قصه‌هایش به آن هویت و اصالت

روزنامه صبح ایران / سال دهم - شماره ۹۹۳

۱۹ شهریور ماه ۱۴۰۱ / با ما همراه شوید

www.serajonline.com – @serajname

فرهنگ و هنر

جهانی‌شدن پویانمایی ایران

در گرو بومی‌سازی



درحالی که سال‌های اخیر پویانمایی‌های ایرانی در عرصه‌های بین‌المللی مطرح شده‌اند و افتخارآفرینی کرده‌اند برخی کارشناسان براین باورند که راه جهانی‌شدن صنعت پویانمایی ایران در گرو بومی‌سازی آن است.

عرشه جهانی پویانمایی ایرانی در حال حاضر مهم‌ترین حوزه راهبردی این صنعت است که سال‌های اخیر کمابیش اتفاق‌های خوبی در این زمینه افتاده است که می‌توان از حضور انیمیشن «استرپی» ایران در فهرست انیمیشن‌های خارجی اسکار تا برنده شدن جوایز محصول‌های ایرانی اشاره کرد.

یکی از اتفاق‌های خوب اخیر، حضور «پسر دلفینی» در روسیه بود که باعث شد تا این محصول وطنی فروش بسیار خوبی را تجربه کند و موفقیت‌هایش یک به یک در صدر اخبار رسانه‌های داخلی سینمایی قرار بگیرد.

این دستاورد در صنعت پویانمایی ایران اگرچه از لحاظ هنری و توانمندی کشورمان در تولید اینگونه محصولات فرهنگی می‌تواند افتخاری قابل توجه شناخته شود اما واقعیت اینجاست که فتح سکوهای بین‌المللی توسط پویانمایی‌های ایرانی در واقع راه جهانی‌شدن سایر محصولات مشابه و با کیفیت کشورمان نیز هموارتر کرده و ورود این نوع تولیدات ایرانی به مارکت دهکده جهانی تسهیل خواهد شد که شاهد مثال آن هم حضور سه انیمیشن ایرانی محصول گنیم پرورشی قدری کودکان و نوجوانان در جشنواره فیلم‌های کمیک و انیمیشن چانیاورتون یونان است.

به این صورت که در این جشنواره سه فیلم کوتاه انیمیشن «بیماری دلسوزی» اولین فیلم انیمیشن مارال علیزاده «زمین بازی» اولین ساخته رسانه اسدی و «سمپاش» به کارگرانی فروش عایدی، قرار است که در بخش مسابقه ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کمیک و انیمیشن چانیاورتون یونان شرکت کنند.

اما به گفته کارشناسان جهانی شدن پویانمایی ایران زمانی میسر می‌شود که بتوانیم ابتدا محصولات خودمان را برای بچه‌های ایرانی با نگاهی بومی و ملی، تولید کنیم. اتفاقی که ظاهراً همچنان سایه سنگین نگاه دولتی برآن دیده می‌شود و دست اسدراکاران و فعالان عرصه پویانمایی براین باورند که روسیه به جایگاه‌های مناسب و تثبیت جایگاه ایران در این عرصه نیازمند حذف نگاه دولتی در این عرصه است.

کارشناسان براین باورند که برای رسیدن به این هدف مهم پس از ارائه کاراکترها و شخصیت‌های مناسب باید در عرصه تولید لوازم جانبی نیز هدفمند و اصولی وارد میدان شد، به این معنی که تولیدنوشت‌افزارها و لوازمی مانند اسباب‌بازی و... که با طراحی شخصیت‌های پویانمایی با نگرش گرفته‌باش تا تجاری‌سازی محتوای پویانمایی‌ها ایجاد شود.

مهدی یوسفوندی، مدیر خانه خلاق تجاری سازی محتوا (ترم) با اشاره به وضعیت فعلی صنعت تجاری سازی محتوا اظهار داشت: مهم‌ترین مشکل این حوزه ورنه سنگینی است که دولتی‌ها با فقدان قوانینی چون کپی‌رایت یا تولید برای سفارش به پای صنعت پویانمایی بسته است.

یوسفوندی درباره میزان استقلال از لوازم جانبی پویانمایی‌ها در ایران گفت: از زمانی که شخصیت‌سازی (کاستومایز) شخصیت‌های پویانمایی برای لوازم جانبی انجام شده، استقلال بسیار خوبی صورت گرفته‌است. شخصیت‌سازی یعنی آن شخصیت پویانمایی برای بستری که قرار است تا روی آن قرار بگیرد اعم از نوشت‌افزار یا اسباب‌بازی و... مناسب‌سازی شود. تئیراتی انجام می‌شود تا شخصیت‌های پویانمایی بتوانند برای اقلام مناسب‌سازی می‌شود. این اقدام در مورد کارهایی چون «فیلشاه» و «حسنی کوچولو» اتفاق افتاد که منجر به این شد که استقلال بسیار خوبی انجام شود.

این مدیر فرهنگی-تجاری بیان کرد: رونق این حوزه به استمرار پویانمایی وابسته است. اگر شهرداری در آید تا این مجموعه فرهنگی در تولیدی بعد از اولین نسخه پویانمایی خود در نسخه‌های دیگر مانند سریال و قسمت‌های دوم و سوم آن به بازار بیاید. این فرایند ادامه‌دار خواهد شد و بازار خواهد داشت. مانند اتفاقی که در مورد سریال داستان اسباب‌بازی‌ها انجام شد که هرچند سال بیکار قسمت‌های بعدی یا سریال و بازی آن به بازار می‌آید. ما چنین چیزی در ایران نداریم. تنها در مورد «مدرسه موش‌ها» داشتیم که البته چون برنامه عروسکی است قابلیت‌های متنوعی که انیمیشن و زیبایی‌های آن دارد را نداشت و تولید لوازم جانبی آن سخت‌تر بود.

یوسفوندی درباره مشکلات حال حاضر این صنعت بیان کرد: چند مؤلفه جدی است که باعث شده است تا ما در مرشدنایز (اقلام جانبی) به مشکل برخوردیم که مهم‌ترین آن فقدان قانون کپی رایت است. با اینکه قانون داخلی در این خصوص داریم که متریقی است اما آن قوانین هم اجرا نمی‌شود. اگر همین بدون پرداختن کوچکترین هزینه، تولیدکننده ایرانی می‌تواند کاراکترهای خارجی را به راحتی داندلود و برای لوازم جانبی استفاده کند، بدون اینکه به کسی پاسخ بدهد. اما در مورد شخصیت داخلی باید رضایت بگیرد، بنابراین اگر قانون کپی رایت داخلی و خارجی رعایت و اجرا شود به نظر من آن زمان دستمان برای لوازم جانبی بازر تر خواهد بود.